
بسم الله الرحمن الرحیم

به کدامین گناه؟!

بررسی نقش رسانه در اسارت ذهنی جامعه



آزادی شرط واقع بینی

ما بیشتر از اینکه واقع‌بین باشیم، اسیر ذهنیت‌های خودمان هستیم. همیشه یک فاصله‌ای بین واقعیت‌ها و ذهنیت‌های ما وجود دارد و کسی که اسیر ذهنیت‌های غلط خودش باشد، نمی‌تواند در زندگی موفق باشد، اگر ما از زندان ذهنیت‌های غلط خودمان نجات پیدا کردیم، زندگی را می‌توانیم تغییر دهیم. اسارت ذهنی خیلی بدتر از اسارت بیرونی است.

من الان چه ذهنیتی نسبت به خودم دارم، من همان می‌شوم، نه همان‌که هستم. اگر من در وجود خودم احساس ضعف کنم آدم ضعیفی می‌شوم؛ هرچند درواقع می‌توانم قوی باشم یا حتی ممکن هست قوی هم باشم.

اسارت در ذهنیت‌های غلط بدترین نوع اسارت

اسارت ذهنی جامعه هم همین‌طور اتفاق می‌افتد، گاهی یک جامعه به اسارت می‌رود، اسیر ذهنی است. اسیر ذهنیت‌های غلطی است که رسانه‌ها برای او به وجود آورده‌اند در حالی که واقعیت چیز دیگری است.

بیایم اسیر نباشیم، آزاد باشیم. برای واقع‌بینی باید اول آزاد بود و اسیر نبود و گرنه گاهی علاقه‌های درونی، ما را اسیر خودشان می‌کنند و اجازه نمی‌دهند ما واقعیت‌ها را ببینیم.

امیرالمؤمنین(ع) در نامهٔ ۳۱ خطاب به جوانش امام حسن(ع) می‌فرماید: «**لَا تَکُنْ عَبْدَ غَیْرِکَ وَ قَدْ جَعَلَکَ اللَّهُ حُرّاً**؛ مبادا اسیر دیگران باشی، حال آنکه خالق، تو

را آزاد ساخته و آفریده است.»[1]

جوان را دیدی، یک روحیهٔ آزادمنشانه دارد، زیر بلیط هرکسی نمی‌رود. راحت خرج می‌کند. چرا فرمود: «**شَابٌ سَخِيٌ مُرَهَّقٌ فِی الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ**؛ جوان سخاوتمندی غوطه‌ور در گناهان نزد خدای عزّ و جلّ از پیر عابدی بخیل محبوب‌تر است.»[2] البته شهوت‌رانی هم خودش یک نوع اسارت هست اما عرض این هست شاید این سخاوت همان عدم اسارت هست. اسیر جیبش نیست. حتی اسیر جانش هم نیست. شهدای ما چقدر راحت در راه خدا بذل جان کردند. جوان روحیه آزادمنشی دارد.

چقدر خوب هست این حال خوبش را حفظ کند، ببین تا آخرت عمرت زیر بار هیچ‌کسی نرو، به این معنا که مراقب باش، هیچ ذهنیتی به تو تحمیل نشود و اسیر هیچ ذهنیت غلطی علیه خودت نشوی.

نقش رسانه در اسارت ذهنیت‌های غلط

بدترین نوع اسارت، اسارت ذهنی است و رسانه‌ها هنری دارند در اسارت ذهن‌ها. گاهی رسانه به کمک علاقه‌های درونی، ترکیب علاقه‌های درونی، تقویت علاقه‌های درونی سطحی تأکید بر برخی علایق، سعی می‌کنند، واقعیت‌ها را خاموش کنند و ما را و جامعهٔ ما را به اسارت خودشان ببرند و یک ذهنیت غلط دربارهٔ جامعه به ما بدهند که آن ذهنیت غلط خروجی‌اش ما نمی‌توانیم یا خود تحقیری و احساس ضعف و انکار واقعیت‌های وجودی

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱
۲. کافی، ج۴، ص۴۱.

خودمان است. یا احساس یاس و ناامیدی که قاتل یک جامعه است.

گاهی شعار آزادی رسانه‌ها، درواقع شعار به نفع اسارت جامعه است

گاهی شعار آزادی رسانه‌ها، درواقع شعار به نفع اسارت جامعه توسط رسانه‌ها هست. اگر رسانهٔ به نفع آزادی جوامع باشد، نباید علاقه و ذهنیتی که مطابق با واقع نیست به آدم‌ها یا جوامع تحمیل کند. البته این تحمیل، زیرکانه و زیر زیرکی هست، طوری هست که تو فکر می‌کنی انتخاب کردی در حالی که به تو تحمیل‌شده است.

مگر شیطان چه می‌کند که مردم حرف او را می‌پذیرند و تحت تأثیر او قرار می‌گیرند؟ قسم خورد و گفت: «**لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِين**»[۳]

من از صنعت زینت کردن برای فریب دادن و اغوا انسان استفاده می‌کنم. خیلی این دو تا کلمه معنادار هست تمام عملیات روانی شیطان روی تزیین می‌گردد. شما کلاً مراقب باش، هر چیزی که رسانه تزیین کرد، شاید فریبی پشت سرش باشد.

چگونه رسانه، جوامع را اسیر ذهنیت‌های غلط می‌کند؟

چگونه رسانه، جوامع را اسیر ذهنیت‌های غلط می‌کند؟ مثلاً گاهی درباره خوبی‌های زندگی غربی، آن‌قدر مبالغه‌آمیز صحبت می‌کند، زندگی را آن‌چنان زینت می‌دهد، شما و جامعه شما مرعوب آن زینت می‌شوی، بعد دربارهٔ خودت و جامعهٔ خودت دچار خود تحقیری می‌شوی، سریع قضاوت می‌کنیم اگر آن‌ها این‌طوری پیشرفت کرده‌اند ما کی به آن‌ها می‌رسیم؟

۳. حجر، ۳۹.

قـرآن می‌فرمایـد: «**لا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِه**؛ چشـمت را خیـره کـن، بـه آنچـه کـه بـه آن‌هـا داده‌ایـم.»[4] چـه اثـر روانـی در ایـن خیـره شـدن هسـت، شـاید یکـی از ایـن اثـر روانـی خیـره شـدن بـه زرق و بـرق زندگـی غربـی، همیـن مرعـوب شـدن و دچـار خـود تحقیـری شـدن اسـت. آن‌هـا کـه بـه چشـمت بـزرگ آمدنـد، خـودت و جامعـهٔ خـودت کوچـک می‌شـوند.

شـاید منظـور از اینکـه فرمـود خیـر نشـو ایـن هـم باشـد کـه بـه ابعـاد دیگـر زندگـی غربـی نـگاه کـن، بـه فقـری کـه در غـرب هسـت و آن را پنهـان می‌کننـد، بـه افسـردگی‌ها و حـال بـدی کـه در زندگـی غربـی وجـود دارد امـا هیـچ‌گاه آن را در رسـانه‌ها فریـاد نمی‌کننـد بـه آنجـا هـم نـگاه کـن؛ چـرا فقـط تـک بعـد بـه ماجـرا نـگاه می‌کنـی؟

ایـن یـک فـرم از اسـارت رسـانه هسـت کـه ذهنیـت غلطـی از سـبک زندگـی غربـی بـه مـا نشـان می‌دهـد، مـا ناخـودآگاه دچـار خـود تحقیـری می‌شـویم.

شما ببینید رسانه در این ماجرای خانم مهسا امینی چه کرد؟

گاهـی بـا کوچک‌سـازی یـک خبـر و گاهـی بـا بزرگ‌سـازی یـک خبـر جامعـه را اسـیر ذهنیت‌هـای غلـط می‌کننـد. شـما ببینیـد رسـانه در ایـن ماجـرای خانـم مهسـا امینـی چـه کـرد؟ بعـد نسـبت بـه اتفاقـات مشـابه ایـن جریـان چگونـه رفتـار می‌کنـد؟

خانمـی داشـت داخـل پـارک بـا پسـر کوچکـش راه می‌رفـت، مـرد هتـاک بـا دشـنام و توهیـن بـه اسـتقبال ایـن مـادر و بچـه رفـت، خانـم سراسـیمه بـه پلیـس زنـگ زد، مـرد جریمـه شـد سـپس در دادگاه، بـا ۱۸ ضربـهٔ چاقـو، ایـن خانـم را بـه قتـل رسـاند، بـه

۴. حجر، ۸۸.

کدامین گناه این بانو کشته شد؟! حجاب. عکس‌العمل رسانه‌های اروپایی چه بود؟ حقوق بشر اروپایی چه شد؟

فقط ۱۶ سال بیشتر نداشت، موهای سرش را تراشیده بودند و همه ناخن‌های دست‌وپایش را کشیده بودند. تمام سر و بدنش به علت ضربات ناشی از شکنجه کبود بود. او را شبانه به بیابان‌های اطراف روستا می‌برند و جلوی چشمان خودش برایش قبر حفر کرده و او را زنده‌زنده دفن می‌کنند. ناهید شانزده‌ساله زنده‌زنده دفن می‌شود. به کدامین گناه این دختر نوجوان کردستان را کشتند؟!

یک بام و دوهوای رسانه‌ها در بازتاب جرم و جنایت علیه زنان و بانوان

آیا می‌دانیم آمار جنایتی که علیه زنان و دختران در غرب می‌شود چیست؟ طبق آمار ۷۰ درصد زنان در شرق یا جنوب شرق اروپا از ۱۵ سالگی به‌نوعی خشونت را تجربه کرده‌اند. در آلمان بنا به آمار ارائه‌شده از سوی پلیس جنایی آلمان، خشونت‌های خانگی به‌طور متوسط، موجب می‌شود در هر سه روز یک زن جان خود را از دست بدهد. تنها در سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۲۲ زن در این کشور بر اثر خشونت خانگی جان باخته‌اند. چرا در سکوت خبری این جرم و جنایات علیه زنان و بانوان اتفاق می‌افتد؟ چرا رسانه‌های غربی لال هستند از اینکه جنایات جامعهٔ خودشان را فریاد کنند؟!

دلیل این همه هیاهو چیست؟

حالا برسیم به اتفاقی که اخیراً در جامعهٔ خودمان افتاده است، خانم جوانی، در مقر پلیس، از دنیا می‌رود که باید بررسی شود علت این اتفاق چه بوده است؟ البته تابه‌حال هیچ دلیلی بر قصور یا تقصیر پلیس پیدا نشده است، اما چرا این‌قدر هیاهو در جامعه به راه انداختند؟ همان رسانه‌های خفه شده درباره قتل و جنایت علیه زنان در غرب، حالا چرا زبان باز کرده‌اند، محکم روی موج احساسات جامعه، حکم می‌دهند؟! دلیل این‌همه هیاهو چیست؟ هنوز که هیچ‌چیزی مشخص نشده است.

چرا رهبران جناح خاص، بدون دلیل روی این موج احساسات جامعه، شروع به شلیک می‌کنند؟! اشک تمساح می‌ریزند در حالی که آن‌طرف‌تر همین روزها، خانمی با چادر از خیابان در حال عبور هست، روی سر او بریزند، روسری از سر او بردارند، چرا آن‌ها سکوت می‌کنند؟ چرا این نباید فریاد شود، آن خبر باید فریاد شود؟!

رسانه دست چه کسی است؟

رسانه دست چه کسی است؟ چرا این‌همه سکوت در برابر آن‌همه جنایات بزرگ و این‌همه فریاد در برابر این اتفاقی که هنوز مشخص نیست؟! چرا مرگ مهسا امینی خوراک رسانه‌ها می‌شود اما از قتل ناهیدها خبری نیست؟ من شما را دعوت می‌کنم به تفکر دربارهٔ رفتار رسانه‌ها همین! این یک بام و دوهوا عمل کردن رسانه‌ها نشان می‌دهد آن‌ها نه مهسا برایشان مهم است نه دلشان

برای دختران جوان سوخته است. کاسهٔ زیر نیم‌کاسه دارند. ای‌کاش ما آن کاسهٔ زیر نیم‌کاسه آن‌ها را می‌دیدیم.

ابوسفیان، بعدازاینکه امیرالمؤمنین(ع) مظلوم واقع شدند، به حمایت از حضرت آمد گفت آقا! من حمایتت می‌کنم، برو حقت را بگیر من هستم. گفت: اگر بخواهی مدینه را از سواره و پیاده‌نظام پر می‌کنم علیه خلیفه؛ **وَ إِنْ شِئْتَ لَأَمْلَأَنَّ الْمَدِينَةَ خَيْلًا وَ رَجِلًا عَلَى ابْنِ أَبِي قُحَافَةَ**»[5] حضرت به او فرمود: «ابوسفیان از کی تا به حال تو دل سوز اسلام شده‌ای؟!»[6]

امروز رسانه‌های خبیث، مثل ابوسفیان عمل می‌کنند در حالی که برای آن‌ها مهسا مهم نیست، مهم چیز دیگری است که عرض خواهم کرد.

تأثیرات ناخودآگاه عجیب وغریب هست

تأثیرات ناخودآگاه رسانه عجیب‌وغریب هست. اصلاً شما اراده نکردی، چنین تأثیری بپذیری، خارج از ارادهٔ تو، برای تو برنامه‌ریزی می‌کنند و این اسارت نیست پس چیست؟

فکر می‌کنی خودت تصمیم گرفتی، خودت قضاوت کردی، نه این‌طوری نیست تو را اسیر کردند منتها اسارتی که باید حواست جمع باشد وگرنه با حواس پرستی اسارت رسانه قطعی است. فرمود: «**عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنِّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ**؛ شگفتا از کسی که در

---

۵. بحارالانوار، ج۲۹، ص۶۳۲.
۶. همان.

آنچه می‌خورد فکر نموده و می‌اندیشد (که آیا این خوراک برای او سود دارد یا زیان) چگونه در آنچه باید بفهمد و بداند نمی‌اندیشد (که آیا این علم موجب سعادت و نیکبختی او می‌شود یا بدبختش می‌گرداند)؟! پس شکمش را ازآنچه به آن اذیّت و آزار می‌رساند بازداشته و دور می‌گرداند و سینه‌اش را می‌سپارد به آنچه آن را هلاک و تباه می‌سازد.»[7]

ما بسیاری از اوقات خوراک فکری خودمان را از رسانه‌ها بدون ملاحظه فواید یا مضرات آن برمی‌داریم بعد نتیجه چه می‌شود؟

اسارت در ذهنیت‌های غلط یکی از بدترین آثار شوم و نابودکننده و شکست دهندهٔ انسان و جوامع است. بعد از خود تحقیری، جامعه می‌افتد در خط یاس، یاس از پیشرفت، یاس از حرکت، یاس از حل مسائل و مشکلات.

ما که نمی‌توانیم، مشکلاتمان را حل کنیم، این بزرگ‌ترین دروغی است که هرکسی که اسیر ذهنیت‌های غلط خودش شده، به خودش می‌گوید.

مادرها و اسیر کردن بچه‌ها به یک علاقه خاص

مادران محترم! گاهی بچه‌ها را اسیر یک علاقهٔ خاص می‌کنند، مادر خیلی باید خودش حر باشد. اسیر علاقه‌های خودش نباشد، وگرنه بچه را اسیر یک علاقه خاص تربیت می‌کند.

۷سال اول فرمود: بچه‌ها آزاد هستند؛ یعنی فرمود پادشاه هستند. مهم‌ترین ویژگی پادشاه آزاد بودن هست. یکی از معانی آزاد بودن این هست که به بچه

۷. الدعوات، ص۱٤٤.

مادرها آزادی در علاقه بدهند و نگذارند بچه‌ها اسیر یک علاقه شوند. او را با علاقه‌های گوناگون آشنا کنند. مثلاً بچه‌ها غالباً با یک علاقه سرکار دارند. اسیر همان علاقه هستند یعنی خوردن. شما بیا بچه‌ها را با علاقه‌های دیگرش آشنا کن از اسارت این علاقه نجات پیدا کند. در قالب بازی، مثلاً علاقه به زیبایی و نفرت از زشتی را هم آموزش بده. پسرم دخترم علاوه بر علاقه به خوردن شما یک علاقه داری به زیبایی‌ها نفرت داری از زشتی‌ها. این کار زیباست این کار زشت است.

در خانه مادر دائماً اگر از یک علاقهٔ خاص بگذرد، اثرش بیشتر است ازلحاظ تربیتی تا اینکه پدر از ده تا علاقهٔ خودش بگذرد، چون اثر تربیتی ما در صد برابر بیشتر از پدر است.

بدترین نوع اسارات، اسارت ذهنی است. ریشه این اسارت ذهنی، اسارت در علاقه‌ها هست.

جامعه آزاد از اسارت‌های ذهنی، جامعه اسیر ذهنیت‌ها

در یک ابعاد بزرگ‌تر ما یک جامعه آزاد داریم، جامعه اسیر داریم. اولین مرحله اسارات و آزادی جوامع، اسارت و آزادی در ذهنیت‌ها هست. اگرچه در غرب شعار آزادی می‌دهند؛ اما مردم در غرب اسیر رسانه هستند. اسیر ذهنیت‌های غلطی که درست شده است.

پیغمبر(ص) فرمودند: «وقتی امام زمان تشریف بیارند شما ا از اسارت در

می‌آورند؛ **یُخْرِجُ ذُلَّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ**»[8] و باید جامعه ما به این سمت حرکت کند. اسیر ذهنیت‌های غلط نشود.

واقعیت چیست؟

شوم‌ترین اتفاق در اسارت ذهنی جامعه، این است که واقعیت‌ها را دیگر نمی‌تواند ببیند. واقعیت چیست؟

ما در چه شرایطی هستیم؟

ما در چه شرایطی هستیم؟ فرمود: «**الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ**؛ کسی که عالم به زمانش باشد، اشتباهات به او هجوم نمی‌آورد.»[9]

صدای شکستن استخوان‌های تمدن غرب به گوش می‌رسد

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که صدای شکستن استخوان‌های تمدن غرب به گوش ما می‌رسد، این حرف ما نیست، این تحلیل ما نیست، این شرایطی است که تحلیل‌گران غربی به ما می‌گویند، پس این صخره‌نوردی جامعه، کمی راهش هموار شده است.

ما چهل‌سال پیش در این شرایط نبودیم، چطور باید باور کنیم که الان ما در یک جنگ تمدنی قرار داریم، اصلاً بحث مذاکرات هستهٔ یک بحث فرعی است، اصل ماجرا این هست که الان انقلاب اسلامی، در یک مواجههٔ تمدنی با غرب قرار گرفته است و تمام معادلات قدرت را در جهان برهم‌زده است.

---

۸. الغیبه، ص۱۸۵.
۹. کافی، ج۱، ص۲۷.

غرب به رهبری آمریکا، آخرین نفس‌های خودش را می‌کشد

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که غرب به رهبری آمریکا، آخرین نفس‌های خودشان را می‌زنند، آخرین زور خودشان را می‌زنند تا جمهوری اسلامی را به زمین بزنند و ما با همهٔ این اوصاف سرپا ایستادیم. ما هستیم، ایران اسلامی هست.

تحریم‌های فلج‌کننده، با ما چه کرد؟ همه آسیب دیدیم، همه زخمی شدیم اما مقاومت کردیم، در این جنگ اقتصادی و ما فلج نشدیم.

اگر ما کوتاه بیاییم، نابود می‌شویم

واقعیت این است که ما در شرایطی هستیم که غرب از دشمنی با ما کوتاه نیامده است، اگر ما کوتاه بیایم، نابود می‌شویم. ما راهی را شروع کردیم که عقب‌گرد ندارد و آن راه، راه ابرقدرت شدن است؛ آن‌ها هم کوتاه نمی‌آیند، فرمود: «**وَ لَنْ تَرْضى عَنْکَ الْيَهُودُ وَ لاَ النَّصارى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُم**؛ یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند تا اینکه از آیین و روش آنان پیروی کنی.»[10] باید مستعمرهٔ آن‌ها بشوی وگرنه آن‌ها تو را رها نمی‌کنند.

این‌ها واقعیت‌های زندگی ما هست، چرا برخی می‌خواهند واقع‌بینی را کنار بگذارند، پس واقعیت بیرونی جامعهٔ ما هست البته از همهٔ مشکلات آگاه هستیم، بدون انکار این واقعیت داریم قضاوت می‌کنیم، اما حواسمان باشد، جنس مشکلات از جنس ابرقدرت شدن است، در کنار این مشکلات، تأثیر

---

۱۰. بقره، ۱۲۹.

مقاومت خودمان در مقابل مشکلات را هم ببینیم.

این‌ها راز عبور ما از مشکلات است، این‌ها راه عبور از مشکلات است.

ما در مسیر ابرقدرت شدن هستیم

طبق پیش‌بینی‌های جهانی، ما در مسیر ابرقدرت شدن در حال حرکت هستیم، این آن واقعیتی هست که نظام سلطه در حال پوشاندن آن هست، این آن واقعیتی است که غرب‌گرایان چشم دیدن آن را ندارند، این آن واقعیتی است که نظام سلطه، سدسازی می‌کند و مانع‌تراشی تا ما این مسیر ابرقدرت شدن را تمام نکنیم.

قانون جذب کمک خدا

ما یک واقعیت بزرگی داریم به نام کمک خدا در مدیریت جامعه‌ای که مقابل دشمنان بشریت ایستاده و ایستادگی می‌کند. توان شما، به‌اضافۀ توان بی‌نهایت خدا شود، چه کسی می‌تواند مقابل شما بایستد؟

همین‌قدر ایستادگی والله معجزه است، ما در وسط یک معجزۀ بزرگ هستیم،

کافی است چشم خودمان را باز کنیم، تمام جهان بیش از چهل سال، با تمام توان، علیه جامعۀ ما اقدام می‌کند، اما در نهایت نه‌تنها ما هستیم، بلکه ما خیلی قوی‌تر در حال رفتن به سمت ابرقدرت شدن هستیم.

جنس مشکلات ما، از جنس ابرقدرتمند شدن است، چگونه این مسیر را بدون مدیریت خدا، بدون قدرت خدا امکان دارد که سپری کرده باشیم؟

محـال است کـه بـدون کمـک خـدا، در برابـر ایـن دشـمنی‌های بـزرگ و مشـکلات تـاب آورده باشیم. ایـن بـودن مـا و مانـدن مـا عجیـب نیسـت؟

کمک خدا هم بی‌حساب و کتاب نیست

امـا کمـک خـدا هـم بی‌حسـاب‌وکتاب نیسـت، بایـد بـرای ایـن کمـک خـدا، قواعـدی را رعایـت کنیـم. یکـی از ایـن قواعـد، مقاومـت اسـت. اگـر مقاومـت کـردی، خـدا قـدرت خـودش را به‌اضافـه شـما می‌کنـد، اگـر مقاومـت نکردیـم، از کمـک خـدا خبـری نیسـت، خـدا بـا هیچ‌کـس تعـارف نـدارد، ایـن قـدرت خـدا، بعـلاوه ملتـی می‌شـود کـه مقاومـت کننـد نـه کوتاهـی کننـد.

قـرآن، جـا به‌جـا از قانـون جـذب کمـک خـدا، مطـرح می‌شـود. چگونـه خـدا جامعـه را کمـک کـرد، از سـخت‌ترین شـرایط عبـور کردنـد. قانـون جـذب کمـک خـدا ایـن هسـت کـه فرمـود: «**إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذی يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُون**؛ اگـر خـدا شـما را کمـک کنـد هیچ‌چیـزی شـما را شکسـت نمی‌دهـد و اگـر خـدا شـما را کمـک نکـرد، چـه کسـی بعـدش شـما را کمـک می‌کنـد و بـر خـدا مؤمنیـن بایـد تکیـه کننـد.»[11]

چقـدر روشـن خـدا، بـا بندگانـش حـرف می‌زنـد، اگـر می‌خواهیـد موفـق شـوید، بایـد روی کمـک مـن حسـاب بـاز کنیـد، نـه حتـی امکانـات خودتـان.

در یکـی از جنگ‌هـا کـه اتفاقـاً در صـدر اسـلام، جامعـه اسـلامی بیشـترین امکانـات را داشـت، شکسـت خـورد؛ چـون بیش‌ازانـدازه بـه امکانـات تکیـه‌زده بودنـد عـوض تکیـه

۱۱. آل‌عمران، 160.

زدن به خدا، می‌فرماید: «**لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّهُ فی مَواطِنَ كَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئا**؛ یقیناً خدا شما را در میدان‌های فراوانی (بر دشمن) پیروز نمود. همان هنگامی‌که کثرت جمعیت شما، شما را به شگفت آورده بود. ولی آن کثرت جمعیت هیچ‌گونه شما را بی‌نیاز نکرد.»[12]

بنابراین یکی از واقعیت‌های دیگری که ما باید برای موفقیت خودمان و جامعهٔ خودمان ببینیم، واقعیتی به نام کمک خدا، در سخت‌ترین شرایط است. این تجربهٔ تاریخی ماست، منتها این کمک خدا، شامل حال چه جامعه‌ای می‌شود؟ جامعه‌ای که قدرت خودش را، سرمایه خودش را وسط میدان بیاورد. بعد خدا به ملائکه می‌فرماید ملائکهٔ من کمک کنید. این قدرت بعلاوه قدرت خدا، عامل موفقیت جامعه می‌شود.

این‌ها واقعیت‌هایی است که در جامعه در حال انکار است. اسارت‌های ذهنی اجازه دیدن این واقعیت‌ها را نمی‌دهد.

---

۱۲. التوبة، ۲۵.